

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

محمد شریف منصور

۱۳ نومبر ۲۰۲۲



محمد شریف منصور

## زندگینامه "حسن صباح"

حکیم حسن صباح، داعی و پیشوای برجسته مذهب اسماعیلیه بود. وی در سال ۴۵۵ هجری قمری دیده به جهان گشود. صباح نویسنده و ستاره شناس بود و با رشته های هندسه و ریاضی هم آشنائی داشت. [۱] وی سخنوری توانا هم بود. حسن در ابتداء پیرو مذهب نیاکان خود یعنی مذهب شیعه جعفری بود ولی در نوجوانی به وسیله مردی به نام "امیره ضراب" با مذهب اسماعیلیه آشنا شد و به این مذهب گروید.

در سال ۴۶۹ هجری قمری، حسن به تشویق عبدالملک ابن عطاش، (یکی از داعیان مذهب اسماعیلیه که به حسن صباح توجه ویژه ای داشت) به دارالخلافه قاهره، پایتخت خلافت فاطمی و پایگاه نیرومند اسماعیلیان مسافرت کرد. [۲] او در قاهره با استقبال گرم درباریان خلافت فاطمی روبه رو شد و مدتی در آنجا ماند. المستنصر بالله خلیفه فاطمی، به حسن صباح احترام می گذاشت و او را ستایش می کرد. [۳]

حسن پس از مدتی اقامت در قاهره و سپس اسکندریه، در سال ۴۷۳ هجری قمری به ایران بازگشت و به عنوان یک داعی، مشغول ترویج مذهب اسماعیلیه در ایران شد. ده سال بعد حسن وارد الموت شد و در همان سال یعنی سال ۴۸۳ هجری قمری دژ الموت را تسخیر کرد و آنجا را به صورت یک مقر تسخیر ناپذیر درآورد. صباح با تلاش و پشتکاری که به خرج داد توانست مناطق دیگری را هم به تصرف خود درآورد.

وی در زمان فرمانروائی المستنصر بالله، روابط نسبتاً خوبی با خلافت فاطمی داشت و امیدوار بود که پس از المستنصر، پسر او نزار به خلافت برسد، اما پس از درگذشت المستنصر بالله، وزیر او با کمک هوادارانش توانست که المستنصر بالله را به قدرت برساند. نزار زیر بار خلافت المستنصر نرفت و خودش را به اسکندریه رساند و حاکم و مردم اسکندریه با او بیعت کردند. در کشاکش قدرت میان نزار و المستنصر بالله، المستنصر پیروز شد و نزار در سال ۴۸۸ هجری

قمری، کشته شد. با این وجود حسن صباح و اسماعیلیان ایرانی، وفاداری خود را به نزار حفظ کردند و روابط الموت و قاهره قطع شد.

پس از آن حسن صباح به عنوان حجت و نایب امام، زمام امور اسماعیلیان ایران را در دست گرفت. صباح در الموت برای پاسداری از مذهب اسماعیلیه در برابر دشمنان این مذهب، فدائیان را تربیت کرد که رهبران مخالف این مذهب را از بین می بردند. این فدائیان بعدها حشاشین نامیده شدند .

حسن صباح تا آخر عمر با وجود همه سختی هائی که کشید به اصول مذهب اسماعیلیه پایبند ماند و در برابر همه ناملایمت ها ایستادگی کرد تا این که سرانجام در سال ۵۱۸ هجری قمری چشم از جهان فرو بست. وی در دوران طولانی فرمانروائی خود، از دایره پارسائی، گامی به بیرون ننهاد و هیچ گاه خانواده خود را بر دیگر اسماعیلیان برتری نداد. همسر و دو دختر او گاهی وقت ها مجبور بودند مایحتاج زندگی شان را از راه رسیدن دوک تهیه کنند. [۴]

حسن صباح در اجرای قوانین همگان را در برابر قانون یکسان می دانست و به هیچ عنوان برای هیچ کس تبعیض قائل نمی شد. او دو پسر داشت که هر دوی آن ها را به انجام اعمال خلاف شرع متهم کردند و به همین خاطر، حسن صباح دستور مرگ هر دوی آن ها را صادر کرد. یکی از آن ها به اتهام همکاری در قتل یکی از داعیان اسماعیلی به نام حسین قاننی به مرگ محکوم شد و دیگری را به اتهام میگساری کشتند.

پایان

#### پی نوشت ها :

- [1]- جهانگشای جوینی، عطاملک جوینی، به تصحیح محمد قزوینی، مؤسسه انتشارات نگاه، ج ۳ ص ۷۳۹
- [۲] - جامع التواریخ (تاریخ اسماعیلیان) رشید الدین فضل الله همدانی، به تصحیح محمد روشن، ناشر میراث مکتوب، ص ۹۸-۱۰۰
- [۳] - زبده التواریخ، ابوالقاسم عبدالله بن علی کاشانی، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۱۳۶-۱۳۷
- ۴- تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی قزوینی، انتشارات امیر کبیر، ص ۵۲۱